

## تشویق و تنبیه و تاثیر آن بر تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش ایران

سید محسن سیدی

کارشناسی ارشد، روانشناسی تربیتی، دانشگاه آزاد صحنه

اداره آموزش و پرورش شهرستان سنقر، آموزشگاه سایه کر سفلی

[Mohsen.seyedi946@gmail.com](mailto:Mohsen.seyedi946@gmail.com)

09390483006

### چکیده :

تشویق و تنبیه دو روش تربیتی است که برای رعایت مقررات و انضباط باید در مدارس مدنظر قرار گیرد. تنبیه در مواردی بکار می رود که رفتار دانش آموز ناپسند، برخلاف مقررات و غیردلخواه است و می خواهیم آن را خاموش و تضعیف کنیم. این دو روش باید بطور صحیح بکار رود تا موجب آرامش خاطر گردد. در مورد تشویق و تنبیه مطالعات زیادی توسط روانشناسان صورت گرفته است و این مطالعات نشان می دهد که اثر تشویق بیش از تنبیه است و تا جایی که ممکن است باید از تنبیه خودداری شود زیرا تنبیه عوارضی ناخوشایند را دربردارد. تشویق باید بجا و مناسب باشد و به محض مشاهده و انجام رفتار مناسب از سوی دانش آموز باید بلافاصله اعمال گردد و از تشویق های بی مورد نیز باید خودداری کرد. تشویق مناسب و بجا در یادگیری تأثیر به سزایی دارد. تنبیه نیز باعث تضعیف رفتارهای ناپسند می شود و اکثراً تنبیه به خاطر رفتاری است که مورد قبول بزرگان و اجتماع نیست. تنبیه نیز باید بجا و درست اعمال شود و مناسب خطای کودک باشد، و به محض انجام کار خلاف از سوی کودک تنبیه باید اعمال گردد و دلیل تنبیه نیز روشن شود.

واژگان کلیدی: تشویق، تنبیه، آموزش، تعلیم، تربیت

## مقدمه :

همه ما در مورد تشویق و تنبیه چیزهایی می دانیم ، زیرا یا خود به عنوان معلم یا والدین آن را اجرا کرده ایم یا در دوران تحصیل از سوی معلمان و پدر و مادر در مورد ما به مرحله اجرا در آمده است . والدین در خانه و معلمان در سطوح گوناگون تحصیلی ، بیشتر با مقوله تشویق و تنبیه سر و کار دارند . استفاده از تشویق یا تنبیه ، گاه به طور رسمی و با برنامه قبلی و گاه بدون هیچ برنامه و نیت قبلی صورت می گیرد .

تقریباً هر کسی در روز نوعی تشویق یا تنبیه را مستقیم یا غیر مستقیم ، ارادی یا غیر ارادی بر دیگران و یا کسی بر او روا می دارد . اما احتمالاً کمتر از ماهیت تشویق و تنبیه و نتایج و عواقب واقعی آن اطلاع دارد .

## تشویق چیست ؟

تشویق در لغت به معنای آرزومند کردن ، به شوق افکندن و راغب ساختن است.

تاریخ به کارگیری تشویق به عنوان انگیزه شاید به قدمت تاریخ تعلیم و تربیت باشد ، زیرا هر جا صحبت از آموزش و یادگیری است مسأله تشویق به نحوی مطرح می شود . و به اعتقاد بسیاری از روانشناسان تربیتی ، تشویق و پاداش از مهمترین انگیزه های پیشبرد تعلیم و تربیت به شمار می رود و منظور از پاداش و تشویق هر عملی است که در تثبیت تمایلات و نیل به آمال انسان مؤثر باشد.

تشویق محرک خوشایندی است که بعد از بروز یک رفتار مطلوب به کودک ارائه می شود و منظور از تشویق و تأیید ، حمایت از رفتارهای مثبت و تأکید بر اعمال درست است . این عمل به کودک کمک می کند که برداشت خوبی از خود داشته باشد و با اعتماد به نفس رفتار صحیح را ارائه دهد .

تشویق ، فرد را به ادامه کارش ترغیب می کند و او را در مسیر پیشرفت و بهبود قرار می دهد . تشویق نوعی پاداش است که برای تقویت رفتار مطلوب و ادامه آن به فرد ، ارائه می شود .

ما معمولاً از تشویق استفاده می کنیم تا رفتاری را تقویت کنیم یعنی تکرار آن رفتار را افزایش دهیم گاهی تشویق و تقویت مترادف هم به کار می روند . معلم باید در نظر داشته باشد که آنچه را که به عنوان تشویق در نظر می گیرد ممکن است در نزد شاگردان همان معنا را به همراه نداشته باشد .

مثلاً اگر معلمی از نمره برای تشویق استفاده می کند باید در نظر داشته باشد که بالا بردن نمره برای همه از یک ارزش پاداشی یکسان برخوردار نیست و از این لحاظ ممکن است بین کودکان تفاوت های بسیار وجود داشته باشد . بنا بر این در این روش معلم هر پاداشی را با توجه به روحیه و شخصیت و رفتار دانش آموزان مورد استفاده قرار می دهد . اصولاً تشویق بیشتر از تنبیه تغییرات مطلوب را به همراه می آورد .

## انواع تشویق :

برای تشویق دانش آموزان و کودکان می توانیم از چهار مدل زیر استفاده کنیم:

- 1- تشویق نسبی ثابت: این مدل بدین صورت است که به کودک می گوییم : اگر پنج نمره بیست گرفتی به تو جایزه می دهم.
  - 2- تشویق نسبی متغیر: در این مدل به او می گوییم که اگر چند نمره بیست گرفتی به تو جایزه می دهم. در این نوع تشویق تعداد نمرات را مشخص نمی کنیم.
  - 3- تشویق فاصله ای ثابت: این مدل تشویق بر اساس زمان صورت می گیرد. مثلاً به کودک می گوییم: اگر درسهایت را بخوانی هر هفته به تو جایزه می دهم.
  - 4- تشویق فاصله ای متغیر: این مدل هم بر اساس زمان است با این تفاوت که در اینجا مدت زمان را مشخص نمی کنیم بلکه می گوییم: اگر درسهایت را بخوانی هر چند وقت یکبار به تو جایزه می دهم.
- بهترین روش تشویق نوع دوم یعنی « تشویق نسبی متغیر » است. چون:

اولاً نسبی است و مورد سوء استفاده کودک قرار نمی گیرد. زیرا اگر ثابت باشد کودک به هر ترفندی که شده 5 نمره بیست را جور می کند.

ثانیاً متغیر است و تغییر نوع و مقدار تشویق، از واکسینه شدن کودک جلو گیری می کند. به دلیل اینکه هم افراد با هم متفاوتند و هم حتی یک فرد هم در موقعیتهای گوناگون متفاوت عمل می کند. مثلاً یک کار خیلی خوب ارزش دارد که بلافاصله او را تشویق کرد اما بعضی کارها زیاد مهم نیستند و اگر چند کار خوب انجام داد باید تشویق شود. بنابراین کودک از تشویق دلزده نمی شود و تشویق همیشه برایش جدید و هیجان انگیز است.

ثالثاً در تشویق های نسبی کودک می فهمد که این پاداش برای کدام کار یا کارهایش است اما در تشویق های فاصله ای به علت فاصله افتادن بین کار و پاداش کودک نمی داند این پاداش نتیجه کدام کار او است.

#### حدود تشویق :

در همه اموری که دانش آموزان تشویق می شوند حدودی را باید در نظر گرفت :

- 1- تناسب تشویق با خصوصیات جسمانی - روانی دانش آموز
- 2- کیفیت رابطه بین تشویق کننده و تشویق شونده .
- 3- تناسب شدت تشویق با رفتار .
- 4- انتخاب زمان مناسب برای تشویق کردن .
- 5- در هر تشویقی باید عمل کودک تشویق شود نه خود کودک .

#### تربیت از راه تشویق :

امام حسن مجتبی (ع) وقتی می خواست فرزندان و برادرزادگان خود را به علم ترغیب کند خطاب به آنها می گوید : شما کودکان امروز اجتماع هستید و امید می رود در آینده بزرگان اجتماع باشید ، در کسب علم و دانش بکوشید .

امام علی (ع) از طریق تشویق و شخصیت دادن به کودک ، انگیزه تحصیل علم را در آنها زنده می کرد و این یکی از راههای استفاده از عواطف و احساسات کودک است .

هر انسانی بنا به اصل فطرت ، دارای غریزه حب ذات است و چه بهتر که به جای تنبیه و آزار بدنی ، با تحریک این غریزه و تشویق و دلگرمی دادن کودکان به آینده درخشان و ترقی و تعالی اجتماعی ، آنان را به انجام وظیفه وادار کنند .

در جهان امروز ، تربیت از راه تشویق را بهترین و مؤثرترین نوع تربیت می دانند . مربیانی که با این سبک و روش ، کودکان را به تحصیل دانش و انجام کارهای نیک وادار کنند کارشان موفقیت آمیز خواهد بود . خشونت و تندی می تواند فقط برای مدتی محدود ، کودکان را به انجام وظیفه وادار کند ، اما هیچ گاه نمی تواند از آنها فردی با شخصیت و بزرگ بسازد .

چگونه باید تشویق کرد ؟

1- تشویق نباید مداوم باشد چون جنبه رشوه دادن به خود می گیرد. مثال: معلم به کودک بگوید که اگر فلان کار یا فلان درس را یاد گرفتی به تو جایزه داده خواهد شد، این کار کودک را به چانه زدن وا می دارد .

2- تشویق باید به خاطر کارهای ممتاز و فوق العاده صورت گیرد و سعی شود که برای انجام کارهای نیک و ایجاد عاداتهای پسندیده صورت گیرد.

3- در زمینه تشویق باید به تفاوت های فردی توجه کرد زیرا هر کودک استعداد و توانایی های خاص خودش را دارد.

4- تشویق را به صورت های گوناگون می توان انجام داد که گاهی بعضی از تشویق ها هزینه ای در بر ندارد مانند: نگاه توأم با لبخند ، گفتن یک جمله محبت آمیز یا بازی کردن با کودک .

5- عمل و اخلاق نیک کودک را باید تحسین کرد نه خود او را . یعنی خود کودک به خوبی بفهمد که کار نیک ارزش دارد و خود

او منهای کار نیکش ارزشمند نیست.

- 6- تشویق به گونه ای باشد که کودک خود را مستحق آن بداند نه وسیله ای برای دلخوش کردن یک لحظه . کودکی که مستحق تشویق نباشد از آن لذت نخواهد برد و نسبت به داوری اولیا و مربیان بدبین خواهد شد .
- 7- تشویق باید گاهگاهی صورت پذیرد چون تشویق زیادتأثیر خود را از دست می دهد .
- 8- تشویق را در حضور جمع انجام دهیم تا شخص احساس تعهد و مسئولیت نسبت به کار و وظیفه نماید.
- 9- تشویق زیاد باعث احساس غرور و خودبینی در کودک می شود.

معایب تشویق بی جا و بیش از حد :

وابستگی کودک به عوامل کنترل بیرون از خود

کند شدن محرک های درونی (از بین رفتن رغبت های خود به خودی و جایگزینی رغبت های مصنوعی)

تشویق بدون دقت ممکن است به صورت رشوه در آید و اعمال کودک به پاداش وابسته شود و پرتوقع و طلبکار پرورش یابد و در همه جا انتظار پاداش عملی یا معنوی داشته باشد، از همه کس طلبکار شود ولی خودش احساس مسئولیت نکند . گاهی حتی در برابر انجام وظایف قانونی یا اجتماعی یا شرعی خود نیز توقع پاداش خواهد داشت.

بسا "تشویق و تحسین بیش از حد ، کودک را به غرور و خودبینی مبتلا می سازد. امیرالمؤمنین علی (ع) می فرماید : " چه افرادی که به سبب تعریف و تمجید مغرور می شوند " و " در مدح کسی زیاده روی و مبالغه مکن نتایج تحقیقات اخیر نشان داده است که اگر رفتار کودک و رشد او را از طریق عوامل تشویق بیرونی مانند جایزه ، پول ، کارت صدآفرین ، تحسین های لفظی مکرر و سایر عوامل بیرونی شرطی کنیم ، آزادی و رشد طبیعی را از او سلب و رفتار او را با ضوابط و معیارهای از پیش تعیین شده قالب سازی کرده ایم .

تشویق بیش از حد در درازمدت مانع پیشرفت خود به خودی کودک می شود

تکیه بر تشویق بیرونی بدون همسویی با تقویت های درونی کودک ، مانع تحول طبیعی او می شود

#### محبت و تشویق :

تشویق به معنی شوق افکندن و ترغیب کردن به کار است، «از نظر روانشناسان، ارائه محرک مطلوب پس از انجام رفتار مطلوب به منظور افزایش، تکرار و تثبیت آن عمل و رفتار، تشویق تبیین و معنای به حق می یابد. همچنین گفته شده است در انسان ها نوعی نیاز به محبت وجود دارد. انسان ها مایل هستند که مورد محبت، تحسین و تمجید قرار گیرند. از سوی دیگر ما به چیزهایی که خوشایند باشند پاسخ می دهیم و آن پاسخ هایی را برمی گیریم که با رضایت خاطر و پاداش همراه باشند. اینها سبب تقویت روانی می شوند و شخص به این پاسخ ها پایبند می شود.»

می توان چنین شیوه را در تمام سطوح افراد جامعه پیاده کنیم. در این راستا توجه کنیم به سخنان حضرت علی (ع) به مالک اشتر که می فرمایند با تحسین و حق شناسی، خویشتن را با مأموران درستکار خود مرتبط کن. خدمات صادقانه آنان را به زبان بیاور و صریحاً قدردانی نما زیرا تحسین و قدرشناسی، مردان شجاع را در راه نیکوکاری تهییج می کند و مسامحه کاران را به واسطه خداوند به جنبش و حرکت وا می دارد.

یکی از راه های تشویق، شیوه کلامی است. در تشویق های کلامی و گفتاری، با سخن خویش، رفتار فرد، کودک و یا بزرگسال مورد تأیید قرار می گیرد چرا که عمل مثبت انجام شده آنان مورد تشویق قرار می گیرد. با ارج نهادن به شخصیت فرد می توان فرصت بروز استعداد های ذاتی را برای آن شخص فراهم کرد تا احساس کند صمیمیت بیشتری به او نشان داده شده است .

تشویق باید متعادل، به اندازه، به موقع، به جا و مناسب باشد ضمن آن که با میزان فعالیت و انتظار متناسب باشد باید انگیزه و هدف تشویق به مخاطب تفهیم شود و توجه داشته باشیم تشویق، تحریک درونی برای پیشرفت امور را ایجاد می کند و تشویق به نحوی جبران کننده کمبودها، حقارت های عاطفی و اجتماعی است ، ضمن آن که باعث به وجود آمدن حس اعتماد به نفس و

تقویت عزت نفس می شود نیز مضاف به آن که رفتار و سیر زندگی- ولو مقطعی- را می تواند تغییر دهد.

ایجاد وابستگی به عوامل تحریکی تشویق، سبب کند شدن محرکهای درونی، ایجاد توقعات تصنعی، مغرور شدن و احساس مهمتری خواهد شد و این مورد خاصه در خردسالان بیشتر متجلی می شود.

تأثیر بیشتر تشویق در مقایسه با تنبیه :

تأثیر تشویق و تنبیه در سنین مختلف در کودکان متفاوت است. دانشمندان بر اساس بررسی های جدید دریافته اند ، کودکان تا سن 12 سالگی برداشت چندان درستی از تنبیه ندارند و به تشویق به مراتب بیش از تنبیه واکنش نشان می دهند . محققان با بررسی مغز کودکان با روش ام آر آی (MRI) دریافته اند ، تشویق کودکان در سن 8 سالگی ، مراکز ویژه رفتاری را در مغز تحریک می کند و کودک رفتارهای مثبت خود را که تشویق شده است ، تکرار می کند. اما این بررسی نشان می دهد؛ تنبیه در کودکان 8 ساله چنین تأثیری ندارد و کودک در این سن نمی تواند درک کند که در صورت مشاهده واکنش منفی برای یک فعالیت ، نباید آن را دوباره تکرار کند.

### شرایط تشویق و تنبیه :

در مورد تنبیه و تشویق باید به نکات ذیل دقیقاً توجه شود :

- 1- تا یک سالگی تنبیه کودک جایز نیست چون به علت عدم رشد قوای عقلانی ، کودک نمی تواند درک کند که به خاطر خطا و اشتباهی که مرتکب شده تنبیه می شود .
- 2- تا 3 سالگی تنبیه می تواند به صورت نگاهی تند ، خطاب شدید ، راندن و دور کردن موقتی کودک و حداکثر یک ضربه ملایم بر پشت دست و یا پای او باشد .
- 3- تنبیه و تشویق نباید به صورت مداوم باشد بلکه باید گاهی اوقات بنا به ضرورت صورت گیرد ، زیرا تنبیه به صورت مداوم بیماری مازوشیسمی و تشویق جنبه رشوه دادن به خود می گیرد .
- 4- تشویق و تنبیه باید به خاطر عمل کودک انجام گیرد نه به خاطر خود او . در تنبیه باید دقت و جستجو و علت یابی شود ، بدین معنی که اگر شرایط مساعدی فراهم آمده و کودک عالماً و عامداً از آن شرایط مساعد استفاده نکرده در این صورت مستوجب تنبیه است و تشویق منحصرأ باید به خاطر کارهای ممتاز و یا فوق العاده صورت گیرد . کودک و دانش آموز باید یاد بگیرد که خوب کار کردن وظیفه و تکلیف است ، لذا در مقابل انجام کارشایسته نباید منتظر تشویق باشد .
- 5- تشویق و تنبیه نباید به خاطر مقایسه کودک با کودک دیگری باشد چون هر فرد استعداد و توانایی های خاص خود را دارد و در تنبیه و تشویق باید تفاوت های فردی را در نظر گرفت .
- 6- فردی را که توان انجام دادن کاری را ندارد نباید به خاطر انجام ندادن آن کار تنبیه کرد .

### تنبیه چیست ؟

تنبیه در لغت به معنای آگاهانیدن، بیدار کردن، واقف گردانیدن به چیزی و آگاه و هوشیار کردن آمده است.

بی اف اسکینر در کتاب فراسوی آزادی و شأن گفته است : تنبیه برای حذف رفتار نادرست ، خطرناک یا نامطلوب از خزانه رفتار فرد ، طرح و اجرا می شود . فرض این است که کسی به خاطر انجام رفتاری ناشایست تنبیه می شود ، با احتمال کمتری آن رفتار را انجام خواهد داد . متأسفانه موضوع به این سادگی نیست . پاداش (تقویت) و تنبیه از لحاظ تغییری که در رفتار ایجاد می کنند ، صرفاً در جهت ایجاد تغییر در رفتار با هم متفاوت نیستند . کودکی که به خاطر بازی جنسی به شدت تنبیه می شود ، الزاماً تمایل کمتری نسبت به انجام این کار از خود نشان نخواهد داد . پس از آن که وابستگی های تنبیهی از میان رفتند ، رفتار تنبیه شده مجدداً ظاهر می شود .

تنبیه در اصطلاح به عملی گفته می شود که لازمه آن آگاهی و هوشیار کردن باشد و به سه معنی بکار می رود :

1- تنبیه به معنی حذف پاسخ مثبت از ارگانیسم و یا اضافه کردن پاسخ منفی به آن . اسکینر در رابطه با تنبیه می گوید : تنبیه زمانی رخ می دهد که پاسخ مثبتی را از موقعیت حذف و یا چیزی منفی به آن بیفزاییم. به زبان متداول می توان گفت تنبیه دورساختن چیزی از ارگانیسم است که خواستار آن است یا دادن چیزی است به او که طالب آن نیست. جان ایانز و همکارانش نیز معتقدند: تنبیه عبارت است از ارائه محرک ناخوشایند یا حذف تقویت مثبت بلافاصله بعد از انجام یک رفتار.

تنبیه در این جا طیف وسیعی را در برمی گیرد و شامل تغافل ، بی اعتنائی، تهدید، تحقیر، سرزنش، تمسخر، محروم سازی، جریمه، جبران، تغییر چهره، روی برگرداندن و تنبیه بدنی است .

2- تنبیه به معنی ارائه پاسخ منفی به ارگانیسم. دکتر علی اکبرسیف معتقد است: «تنبیه عبارت است از ارائه یک محرک آزارنده یا تنبیه کننده (تقویت کننده منفی) بدنبال یک رفتار نا مطلوب برای کاهش دادن احتمال آن رفتار.»

3- گاهی تنبیه به معنی تنبیه بدنی یا کتک زدن به کار می رود که امروزه به علت عدم کارایی و اثرات و مضرات جانبی کمتر از سوی روانشناسان و اندیشمندان حوزه تعلیم و تربیت توصیه می شود .

### تنبیه در آموزش و پرورش :

اگر چه اعمال تنبیهات بدنی و روانی در خانواده ها و والدین از فراوانی بالایی برخوردار است اما اغلب آن را در ارتباط با آموزش و پرورش رسمی می دانند .

سر استفاده مداوم از تنبیه ، به ویژه تنبیه بدنی در مدارس ، شاید به خاطر میزان بهره ای بوده است که از آن می توان در امر آموزش و پرورش و تدریس بدست آورد . به عبارت دیگر، احتمالاً برخی از معلمان می توانند با توسل به تنبیه، ضریب موفقیت خود را افزایش دهند .

در آموزش و پرورش ، فرایندهای تشویق و تنبیه ، هر کدام نقش تعیین کننده ای دارند . هر چند هیچ یک فی نفسه خوب یا بد نیستند اما معمولاً تنبیه و تنبیه بدنی مذموم و نکوهیده است و آن اندازه توجه و تأمل که درباره محدودیت های تنبیه و به حداقل رسانیدن استفاده از آن می شود ، در جهت نحوه و اندازه استفاده از تشویق و پیامدهای آن انجام نمی گیرد .

به رغم آن که مسئولان آموزشی همواره در مذمت تنبیه بدنی بخشنامه های فراوان صادر کرده اند و می کنند اما این نکته را نباید فراموش کرد که اصولاً در آموزش و پرورش هیچ وسیله عملی و قابل انطباق مجازات را نمی توان پیشنهاد کرد که مقبولیت عام پیدا کند ، چرا که راهکارهای عملی ارائه شده موجب آن می شود که نظریه پردازان دیگری در مقابله با شیوه های اجرایی حاضر ، اسباب دردسر را فراهم آورند .

در بخشنامه های مربوط ، اغلب ، خطرها و لطمات تنبیه بدنی گوشزد می شود ، ولی از خطرها و لطمات تنبیهات روانی ، عمداً یا سهواً چیزی گفته نمی شود .

حال با توجه به اهمیت موضوع و خطرات تنبیهات روانی در دانش آموزان ، لازم است اهمیت و حساسیت این امر به جای آن که فرمان داده شود ، بیشتر آموزش داده شود .

### نکات لازم در چگونگی انجام تنبیه :

در انجام تنبیه باید شرایط و ضوابطی در نظر گرفت و به شرایط قبل از تنبیه ، زمان تنبیه و بعد از آن باید توجه کرد .

1- شرایط قبل از تنبیه : قبل از تنبیه باید به موارد زیر توجه کرد :

- باید بدون حمله به شخصیت کودک ، تنفر و تقبیح خود را از کاری که کرده است نشان داد .
- باید قبل از تنبیه ، انتظارات خود را جزء به جزء برای کودک شرح داد .
- باید راه جبران خطا را به کودک نشان داد .

- فرصت لازم برای جبران کردن به کودک داده شود .
  - خود را خیرخواه کودک نشان دهید .
- 2- شرایط زمان تنبیه : در زمان اجرای تنبیه باید به نکاتی توجه نمود و تنها کاربرد کودک باید مورد نکوهش قرار گیرد نه شخصیت او . « گاندی » رهبر بزرگ هند در این زمینه معتقد است : « از گناه تنفر داشته باشید نه از گناهکار . »
- نکات قابل توجه در زمان تنبیه به شرح ذیل است :
- در حین تنبیه ، باید از مقایسه میان دانش آموزان جداً خودداری شود .
  - در هنگام تنبیه ، باید مورد یا موارد تخلف کودک برایش به خوبی مسلم شود ، به اصطلاح حقوقی باید به او تفهیم اتهام کرد .
  - در زمان تنبیه باید احساسات خود را کنترل کرد ، به طوری که کودک احساس نکند برای انتقام گرفتن از او چنین می کنید یا از تنبیه او خوشحال هستید . به عبارت دیگر در هنگام تنبیه باید واقعاً نشان دهید که دوستدار کودک هستید .
  - در اجرای تنبیهات ضروری و بديهي نباید اهمال، مسامحه و گذشت زمان واقع شود .
- 3- شرایط بعد از تنبیه: از آن جا که تنبیه یک فرایند تربیتی است ، تأمل ، ژرف نگری ، تحلیل و پیگیری مسأله ضرورت دارد . تأمل بر روی رفتار مورد تنبیه و این که چه باید کرد تا از بروز رفتار مشابه جلوگیری شود ، حتماً باید در خیال مربی باشد . از سوی دیگر مربی باید ارتباط عاطفی خود را با دانش آموز تنبیه شده حفظ کند و بداند که تنبیه باید در مسیر ترمیم روابط عاطفی باشد ، نه برای ایجاد دیوار بدبینی و بی اعتمادی . همچنین پس از تنبیه ، همواره باید به فکر صرفه جویی و کاستن از فراوانی تنبیهات باشد ، چرا که ممکن است در اثر استفاده زیاد و مداوم از تنبیه ، تأثیر تربیتی آن به کلی از میان برود و موضوع لوث گردد.

### چگونه باید تنبیه کرد؟

- 1- تنبیه باید توسط معلم و متناسب با میزان خطای کودک صورت پذیرد.
  - 2- فرد مجاز به تنبیه معلم، است و نباید اعمال آن به دانش آموزان دیگر واگذار شود چون موجب اختلاف و نزاع در بین دانش آموزان می شود.
  - 3- تنبیه باید به قدر تولید درد باشد نه زیاده روی در آن.
  - 4- در هنگام خشم و عصبانیت باید از تنبیه خودداری نمود .
  - 5- در هنگام تنبیه اکیداً باید از ناسزاگویی و سخنان نا بهنجار خودداری کرد .
  - 6- تنبیه باید بخاطر عمل کودک باشد نه بخاطر خود او .
  - 7- فردی که توان انجام کاری را ندارد نباید بخاطر انجام ندادن آن کار تنبیه کرد .
  - 8- یک دانش آموز پس از انجام خطا و اشتباهی نباید مورد تنبیه مضاعف قرار گیرد، مثلاً به خاطر غیبت هم از طریق مدیر و هم از طریق معلم تنبیه شود .
- تنبیه شدید بدون توجه اشتباه دانش آموز :
- پاداش ها و تنبیه های محیطی ، رفتار آدمی را شکل می دهد . کودک در خانه و مدرسه و محیط جامعه با پاداش ها و تنبیهاتی که دریافت می کند ، یاد می گیرد تحت شرایط به خصوص چه شیوه های رفتاری را پیش گیرد .
- روانشناسی نوین عقیده دارد که تنبیه نه تنها مشکلی را حل نمی کند بلکه ناسازگاری هایی را در رفتار کودک به وجود می آورد . اسکینر ، روانشناس رفتار گرا ، معتقد است که تنبیه شدید کودکان در قبال رفتار نامطلوب ممکن است موقتاً به حذف آن رفتار منجر شود ولی در بیشتر اوقات منجر به بروز رفتارهای جبرانی انتقام جویانه و ضد اجتماعی می گردد و مشکلات هیجانی دیگر به دنبال دارد .

تنبیهاتی که معلمان بر کودکان روا می دارند از یک طرف مشکلات عاطفی و اختلالات رفتاری را موجب می گردد و از طرف دیگر در رابطه معلم و شاگرد آشفستگی ایجاد کرده ، امکان بازسازی و ترمیم آن را مشکل و در مواقعی دور از دسترس می سازد . درچنین شرایطی کودک تصور منفی خود از معلم تنبیه گر را ممکن است به معلمان دیگر ، محیط آموزشی و حتی فضای فیزیکی مدرسه تعمیم دهد . معلمان پرخاشگر و هیجانی که از عهده کنترل رفتار خودشان بر نمی آیند ، با تنبیه های شدید و مکرر ، آثار سوء در سازگاری شاگردان خود خواهند گذاشت و مقاومت آنها را در یادگیری دروس بر خواهند انگیخت.

### تنبیه مضاعف :

یکی از خطرناکترین انواع تنبیهات که متأسفانه زیاد رایج است تنبیه مضاعف می باشد . این تنبیه را از این جهت تنبیه مضاعف می گویند که شخص تنبیه شونده هم از لحاظ روانی و هم از لحاظ بدنی ممکن است تنبیه شود و یا ممکن است کودک به خاطر خطا و اشتباهی که انجام داده است توسط دو یا چند نفر تنبیه شود .

باید از تنبیه مضاعف به طور جدی دوری کنیم و مواظب باشیم که کودک به خاطر یک خطایی که انجام داده است دو یا چند مرتبه تنبیه نشود . به طور مثال : دانش آموزی غیبت غیرموجه داشته وقتی که به مدرسه می آید ابتدا توسط ناظم مدرسه مورد مؤاخذه قرار می گیرد و نمره انضباط وی کم می شود و آن گاه که به کلاس درس می رود معلم نیز از دانش آموز درسی را که غایب بوده می پرسد و چون نمی داند تنبیه می شود لذا نمره بدی برای او منظور می گردد . یعنی برای یک خطا و اشتباه غیبت برای بار دوم نیز تنبیه می شود . گاهی اوقات ممکن است توسط دو یا چند معلم تنبیه صورت گیرد .

دلایل عدم استفاده از تنبیه بدنی برای تغییر رفتار نامطلوب :

استفاده از تنبیه بدنی برای تغییر رفتار نامطلوب کودکان و نوجوانان ، وسیله مناسبی نیست زیرا که :

- 1- از بروز و تکرار رفتار نامطلوب به طور کامل جلوگیری نمی کند و همان رفتار در موارد مشابه تکرار می شود .
- 2- تنبیه بدنی ممکن است به طور موقت از بروز یک رفتار جلوگیری نماید ولی رفتار نامطلوب دیگری مانند پرخاشگری ، ترس و مخالفت گسترش می باید .
- 3- تنبیه بدنی از سوی والدین باعث دشمنی ، گستاخی ، کینه توزی و خصومت کودک و نوجوان نسبت به والدین می شود و سبب اختلال در روابط اولیاء و فرزندان می گردد .
- 4- گاهی اثر تنبیه بدنی آن چنان است که کودک و نوجوان از برخی فعالیت های مفید دست می کشد و دچار افسردگی روانی و عاطفی می شود .
- 5- گاهی شدت تنبیه ، آثار فیزیکی به همراه دارد و از لحاظ حقوقی و شرعی برای پدران و مادران و مربیان مسئولیت آفرین است .
- 6- ترس از تنبیه ممکن است موجب تسریع فعالیت های بدنی شود ، اما ایجاد اختلال در فعالیت های ذهنی و بالا بردن درجه اشتباهات از نتایج سوء آن است .

### عواقب تنبیه بدنی :

- 1- تحقیر شخصیت : کودکی که به شخصیت او توهین شود ، امیدی به خیرش نیست و دیگران از شر او در امان نخواهند بود .
- 2- ایجاد روحیه تسلیم پذیری : تنبیه بدنی کودک را تو سری خور بار می آورد و در آینده ، به دیگران نیز اجازه خواهد داد به او زور بگویند و قدرت دفاع از حق خود را نخواهد داشت .
- 3- کینه تنبیه کننده را به دل داشتن : کینه تنبیه کننده را به دل می گیرد و در آینده به شکل های گوناگون از او انتقام می گیرد و کودک را به دشمنی با بزرگترها وادار می کند و احترام و اعتماد کودکان نسبت به بزرگترها سلب می گردد .
- 4- ماهر کردن مجرم در جرم : تنبیه بدنی او را در ارتکاب جرم ماهر تر می کند و با تنبیه بدنی ، به او آموزش داده می شود که در



ارتکاب عمل خلاف ، دقت بیشتری داشته باشد تا به دام نیفتد.

5- اضطراب : شخص تنبیه شونده دائم مضطرب است که نکند بر اثر عمل مشابهی ، دوباره به ویژه در حضور دیگران تنبیه شود.

6- از بین رفتن اعتماد به نفس : اعتماد به نفس خود را از دست می دهد و شهادت انجام کارهای بزرگ را نخواهد داشت و همچنین تنبیه بدنی باعث می گردد تا حس کنجکاوی و ابتکار عمل در کودکان از بین برود.

7- روحیه زورگویی : تنبیه بدنی باعث می شود که تنبیه شونده ، نیز به ضعیف تر از خود زور بگوید و آنان را کتک بزند و کودک را عاصی بار می آورد .

8- دروغگویی : تنبیه بدنی، کودکان را دروغگو بارمی آورد، و در صدد حيله گری و ریاکاری می باشند تا از تنبیه خود را نجات دهند .

9- صدمات جسمی : تنبیه بدنی باعث صدمات جسمی می گردد و چه بسا گاهی برای تنبیه شونده و تنبیه کننده مشکلاتی را به بار می آورد که مدت‌ها گریبانگیر حل آن مشکلات می شوند .

برخی دیگر از عواقب تنبیه بدنی فهرست وار به شرح ذیل می باشد :

- سبب ترس می شود.
- باعث افسردگی و بیماری های عصبی می گردد.
- کودک را به سمت خودآزاری و دیگرآزاری سوق می دهد.
- کودک را لجباز، گوشه گیر و اندوهگین می کند.
- باعث کندذهنی می شود.
- کودک را بی اراده و نسبت به اطرافیان بی تفاوت می سازد .
- کودک را دچار یأس و ناامیدی می کند .
- به کودک می آموزد که هر وقت خشمگین شدی ، شرارت کن و بدون هیچ چون و چرایی تسلیم شو.
- سرپیچی و نافرمانی را در کودک شدت می دهد.
- کودک را عبوس بار می آورد و شادیهها را در کودک سرکوب می کند.
- شهادت و غرور بچه ها را از بین می برد و آنها را پرخاشگر می کند و نهایتاً به سلامت روحی و جسمی کودک ضربه می زند.

### تنبیه بدنی کودکان را مضطرب و پرخاشگر می کند :

کودکانی که مورد تنبیه بدنی قرار می گیرند بیشتر از سایر کودکان مضطرب و پرخاشگر هستند.

در عین حال که برخی محققان معتقد هستند تنبیه بدنی نباید جایی در تربیت کودکان داشته باشد چون باعث اختلالات رفتاری این گونه کودکان می شود، سایر کارشناسان بر این باورند که اثرات تنبیه بدنی بستگی به خصوصیات کودکان و خانواده ها و نیز موقعیتی که در آن تنبیه بدنی انجام می شود دارد.

برای اطمینان از این موضوع پژوهشگران در چندین دانشگاه در سراسر دنیا 336 مادر و کودکان آنها را در کشورهای چین، هند، ایتالیا، کنیا، فیلیپین و تایلند مورد بررسی قرار دادند.

در این تحقیق محققان متوجه وجود تفاوت‌هایی در دفعات استفاده از تنبیه بدنی توسط مادران و تصور آنها در رابطه با استفاده از این نوع تنبیه توسط سایر والدین شدند.

مهمترین نتایج این تحقیق عبارتند از: کمترین میزان تنبیه بدنی در میان مادران تایلندی دیده شد و بیشترین میزان در میان مادران کنیایی دیده شد؛ در کشورهای که تنبیه بدنی از نظر فرهنگی پذیرفته شده است، این کار کمتر منجر به پرخاشگری در کودکان می شود هر چند در تمام جوامع ارتباطی بین این دو وجود دارد.

در کشورهایی که تنبیه بدنی شایع تر و از نظر فرهنگی پذیرفته شده است، کودکانی که مورد تنبیه بدنی قرار می گیرند کمتر مهاجم هستند و کمتر از کودکان کشورهایی که تنبیه بدنی در آنجا شایع نیست علائم اضطراب را از خود نشان می دهند، در تمام کشورها استفاده زیاد از تنبیه بدنی باعث افزایش احتمال پرخاشگری و اضطراب نزد کودکان و نوجوانان می شود.

### تنبیه بدنی از نظر اسلام :

اسلام به تعلیم و تربیت اهمیت زیاد می دهد و برای رشد و تربیت صحیح و مطلوب، راه عاقلانه و روش حکیمانه ای توصیه می کند که فقط از این طریق، سعادت و خوشبختی انسان فراهم می آید. اسلام، تنبیه (بخصوص تنبیه بدنی) را برای تربیت کودکان، روشی حکیمانه نمی داند.

حضرت علی (ع) می فرمایند: عاقل از طریق ادب پند می پذیرد و این چارپایانند که جز با زدن تربیت نمی شوند. مردی از رفتار ناپسند فرزند خود به حضرت علی (ع) شکایت کرد. حضرت فرمود: او را زن؛ بلکه با او قهر کن. اما قهر را طولانی نساز.

در این حدیث امام (ع) کیفر بدنی یعنی زدن طفل را منع فرموده و در عوض از مجازات عاطفی استفاده کرده است. مجازاتی که در آن وسایل عاطفی و اخلاقی بر وسایل مادی ترجیح و تأثیر بیشتری دارد. در این مجازات به عوض محروم کردن کودک از مادیات باید کوشش کرد که قلب و عزت نفس و غرور وی متأثر شود، اگر محرومیت های مادی با احساسات و عواطف او بستگی نداشته باشد، چندان موفق نخواهد بود.

البته هدف اسلام این نیست که کودک در یک فضای تربیتی ساختگی و بدون دغدغه خاطر تربیت شود و فقط با جنبه های خوشایند و شریف زندگی آشنا شود؛ زیرا زندگی واقعی، فراز و نشیب فراوان دارد و کودک را باید تا اندازه ای با آنها آشنا کرد تا وقتی که بزرگ شد، صبر لازم در مقابل ناملایمات و سختی ها را داشته باشد. اسلام برای نوجوانی که به سن تکلیف رسیده، تنبیه را آخرین گام به مثابه عامل بازدارنده، مطرح کرده است؛ یعنی وقتی نمونه های عملی و پند و اندرزهای خیرخواهانه، سودی نبخشد، ناچار باید به اقدام شدیدتری دست زد. اسلام سفارش می کند که پدران و مادران موظفند در تربیت فرزندان خود به مقتضیات زمان نیز توجه داشته باشند و در تربیت آنها، شرایط محیط را در نظر بگیرند تا کودکان بتوانند با مردم اجتماع و زمانه خود به نحو شایسته ای زندگی کنند.

حضرت علی (ع) می فرمایند: آداب و رسوم زمان خود را با فشار و زور به فرزندان خویش تحمیل نکنید؛ زیرا آنان برای زمان شما آفریده نشده اند.

### تنبیه بدنی از دیدگاه صاحب نظران :

با توجه به اینکه روانشناسان، فیلسوفان، جامعه شناسان و محققان همواره به مسئله تنبیه توجه خاصی داشته اند، نظرات بعضی از صاحب نظران را مورد بررسی قرار می دهیم:

مارتین لوتر عقیده داشت: معلم نباید شلاق به دست باشد؛ او تنها مامور هیئت مدیره نیست بلکه مقام مقدسی احراز کرده است. ژان ژاک روسو، فیلسوف فرانسوی می گوید: شاگرد را مورد هیچ گونه تنبیهی قرار ندهید؛ زیرا معنی خطا و اشتباه را نمی داند. هرگز از او نخواهید که پوزش بطلبد؛ زیرا امکان ندارد به شما توهین کند. چون ارزش اخلاقی اعمالش را نمی داند، نمی تواند کاری انجام دهد که اخلاق بد و در خور تنبیه یا سرزنش باشد.

جرمی بنتام، فیلسوف انگلیسی می گوید: درد، شر است و اعمال تنبیه نیز ضرورتاً شرارت است، چرا که پیامد تنبیه چیزی جز درد نیست.

خواجه نصیرالدین طوسی درباره تنبیه بدنی بر این باور است که: به هر خلقی نیک که از کودک صادر شود، او را مدح باید کرد و بر خلاف آن در توبیخ اول عمل قبح او را تغافل منسوب کنند تا بر انجامش اقدام ننماید و اگر بر خود پوشیده دارد، برو پوشیده دارند و

- اگر معاودت کند در سر او را توبیخ کنند و چون معلم در اثنای تادیب ضربی به تقدیم رساند از فریاد و شفاعت خواستن حذر فرمایند، چه آن فعل ممالیک و ضعفا بود و ضرب اول که باید اندک بود و نیک مولم، تا از آن اعتبار گیرد و بر معاودت دلیری نکند. به عبارت دیگر او نیز تنبیه را جایز می داند منتها تا حدی که تنها باعث تنبیه شود و هرگز از سرکین ورزی و شقاوت نباشد. قابسی، فقیه مسلمان، شرایطی را برای تنبیه بدنی عرضه می دارد که اجمالاً به قرار زیر است :
- 1- معلم ، تنبیه بدنی را در غیر مواردی که کودک خطا کرده ، اعمال ندارد .
  - 2- تنبیه بدنی باید توسط معلم و متناسب با میزان خطای کودک صورت پذیرد .
  - 3- میزان تنبیه بدنی مجاز ، از یک تا سه ضربه می باشد و فراتر از آن تا مقدار ده ضربه ، منوط به اجازه پدر می باشد .
  - 4- در صورتی که کودک در مرز سنین بلوغ بوده و تندخویی و تخلف او با دو ضربه به اصلاح بدل نمی گردد فزون بر ده ضربه جایز است .
  - 5- فرد مجاز به تنبیه ، معلم است و نباید اعمال آن به دانش آموزان دیگر واگذار شود ، چه سبب نزاع و خلاف را میان آنها فراهم می سازد .
  - 6- تنبیه بدنی باید به قدر تولید درد باشد و به پیامد سوء و ضعف و فتور بدن منتهی نگردد .
  - 7- مناسب ترین موضع بدن برای اعمال تنبیه، پاها می باشد و از فرود آوردن ضربه بر سر و صورت باید احتراز شود ، چه موجب صدمه مغزی و آسیب به چشمان می گردد .
  - 8- وسیله تنبیه بدنی ، تازیانه یا چوب فلک است و بهتر است که نرم باشد و موجب صدمه جدی نشود .

#### مخالفان با تنبیه :

- در بررسی متون مرتبط با تنبیهای روانی و بدنی ، یک نکته مشترک و برجسته وجود دارد و آن این است که بیشتر صاحب نظران تربیتی ، تنبیه را مردود و مذموم اعلام کرده اند که به برخی از آنها اشاره می شود :
- 1- تنبیه بی اثرترین روش تادیب است . در کمال تعجب ، تنبیه اغلب این نتیجه را در بردارد که به کودک درست خلاف آن چه را که ما از کودک می خواهیم می آموزد . بسیاری از والدین دقیقاً به این دلیل ساده از تنبیه استفاده می کنند که تا به حال راه های بهتری برای تادیب کودکان نیاموخته اند .
  - بر اساس این نظر ، باید به پیدا کردن جانشین مناسبی برای تنبیه اندیشید و اگر والدین و مربیان قدری اهل تعمق و فکر باشند قطعاً به این جانشین دست پیدا می کنند .
  - 2- تادیب کودک می تواند منجر به ناکامی شود . چه در نخستین وهله لازم است تأکید شود تادیب به معنی تعلیم و تربیت است . تادیب در اصل راهنمایی برنامه ریزی شده ای است که ما را یاری می کند تا کنترل ، جهت یابی و کارایی باطنی خود را بسط دهیم ، اگر بخواهیم تادیب را به کار ببریم باید احترام و اعتماد دو جانبه رعایت شود . از طرف دیگر لازمه تنبیه ، کنترل ظاهری روی شخص تنبیه شونده با توسل به زور و اجبار است . کسانی که تنبیه می کنند به ندرت به کسی که تنبیه می شود اعتماد می کنند و یا احترام می گذارند .
  - طبق نظریه فوق تنبیه کودک به معنی بی احترامی به او است اگر به کودک بی احترامی شود هدف از تادیب و تربیت محقق نخواهد شد .
  - ژاک ژان روسوی فرانسوی در «کتاب امیل» روش آزادی در تعلیم و تربیت کودک را پیشنهاد می کند و می گوید : نباید هیچ نفوذی در مورد تربیت طفل اعمال شود .
  - روسو در همین کتاب می نویسد : اگر تنبیه به خصوص تنبیهای سخت را به منزله محرک بخواهند به کار برند مضرات دیگر از قبیل ترس و درهم شکستن شخصیت که بالمآل منجر به حالات عصبی و ناراحتی های عاطفی خواهد شد نیز در بردارد .

## موافقان با تنبیه :

اگر چه اعلام مخالفت با تنبیه بدنی کاملاً طبیعی و بدیهی به نظر می رسد ، اما از سوی دیگر ابراز موافقت با آن ، در نگاه اول ، کمی عجیب و غیرمنتظره می نماید . هر چند امروزه از میزان فراوانی موافقت با تنبیه بدنی به شکل کاملاً محسوس کاسته شده است . اما با این حال نباید اظهار نظر موافقان آن را از نظر دور داشت .

موافقان با تنبیه کودکان ، آن را مشروط به شرایط و تحت کنترل می دانند و در موارد خاص آن را تجویز می کنند .

1- دکتر علی قائمی در کتاب حدود آزادی در تربیت می نویسد :

در عین حال ما اصل تنبیه را محکوم نمی کنیم . قائلیم در مواردی هم ضروری است از آن استفاده شود ولی به ندرت و به میزانی اندک . آن هم باید بدانیم که نقش تنبیه مطرح نیست ، بلکه ترس از تنبیه شدن باید در کودک باشد و او را از ارتکاب عملی که منجر به تنبیه خواهد شد باز دارد .

در برخی از موارد ، تنبیه به خاطر یک تخلف شرعی است . از نظر اسلام ما برای کودکان حد نداریم ، ولی آن چنان نیست که اگر طفل گناه کبیره ای را مرتکب شد از او صرف نظر نماییم . مسأله تأدیب و تنبیه او بر اساس ضوابطی که در شرع معین شده به جای خود وجود دارد .

2- ابن اخوه از فقهای قرن هشتم در رابطه با تنبیه خطاب به اولیاء و مربیان می گوید :

بچه ها را از هفت سال به بالا در صورت بی ادبی و سخن زشت و کارهای خلاف شرع از قبیل قاب بازی ، تخم مرغ بازی ، نردباختن و همه انواع قمار مورد تنبیه و بازخواست قرار دهید و بچه ها را با چوب یا شلاق بزنید و بیشتر کفل و ران و پایین پای آنها را بزنید .

3- جان لاک در اواخر قرن 17 روشهای تأدیبی را بر خلاف روش های طبیعی که در آموزش متداول بود ، پیشنهاد کرد . لاک می گفت : به تمایلات طبیعی کودک ، نباید توجه داشت ، بلکه برای سعادت آینده او باید عادات لازم را با فشار و سرسختی در او ایجاد نمود .

4- غزالی نیز مانند برخی از دانشمندان تنبیه و خشونت را روا می شمرد و معتقد بود که معلم باید حتی الامکان با ترساندن طفل ، او را تأدیب کند و چنانچه مؤثر نشد او را بزند . صاحب قابوسنامه معتقد است که : معلم باید باهویت باشد و کودک را در صورت کاهلی بزند . تا وی بر خود مسلط گردد .... چنان چه معلم طفل را بزند ، پدر باید شفقت ورزد .

5- دکتر مهدی جلالی در کتاب روانشناسی کودک می نویسد : خلاصه آن که تنبیه محرک قوی است یعنی هم عمل را تشدید می کند و هم جهت رفتار را معلوم می دارد . ولی این محرک مانند تیغ دو لب است ، که اگر بر حسب نقشه و تفکر به کار نرود مضر است و برای این که به طور صحیح از آن استفاده شود ، باید با توجه کامل و مهارت زیاد به کار رود .

موقعیت هایی که آزردهی در خود آنهاست محرک های قوی و طبیعی هستند و نتایجی که از آنها به دست می آید نسبتاً به طور آزاد و بدون ضرر هستند ، در صورتی که اگر آزردهی از طرف دیگران صورت گیرد ، نتایج مطلوب ندارد .

بر طبق این نظریه ، بهتر است که والدین و مربیان مستقیماً از تنبیه پرهیز نمایند و بگذارند آثار و عواقب آزردهنده خود خطای کودک ، او را تنبیه کند . مثلاً اگر کودک به سوی چراغ روشن می رود بگذارید دستش به قدری بسوزد ( با رعایت احتیاط ) . این تنبیه از تنبیه شما مؤثرتر است .

6- دکتر بهشتی در کتاب تربیت کودک در جهان امروز می نویسد : آخرین اقدامی که از طرف پرورشکار لایق انجام می گیرد ، توسل به تنبیه و خشونت است ، آن هم چون منظور انتقام گرفتن نیست ، بلکه منظور تکامل تربیت شونده است باید طوری اجرا شود که هدف ، فدای خشم و درنده خوئی پرورشکار نشده و زیر پا گذارده نشود . حداقل آن ، یک قهر زودگذر ، یک ملامت عاقلانه و بالاخره حداکثر آن تنبیه است .

شاید منظور جان لاک انگلیسی و دسته ای از دانشمندان ما در مورد تجویز تنبیه همین باشد . به خصوص که دانشمندان ما از سرچشمه پرفیض معارف اسلامی سیراب می شوند و بعید است که غیر از این منظوری داشته باشند و اگر در اسلام دستوری در مورد تنبیه کودکان در پاره ای از روایات وارد شده ، مربوط به همین موارد استثنایی است ، نه اینکه یک قانون کلی و عمومی باشد

## نتیجه گیری:

یکی از راه های تشویق، شیوه کلامی است. در تشویق های کلامی و گفتاری، با سخن خویش، رفتار فرد، کودک و یا بزرگسال مورد تأیید قرار می گیرد چرا که عمل مثبت انجام شده آنان مورد تشویق قرار می گیرد. با ارج نهادن به شخصیت فرد می توان فرصت بروز استعداد های ذاتی را برای آن شخص فراهم کرد تا احساس کند صمیمیت بیشتری به او نشان داده شده است. تشویق باید متعادل، به اندازه، به موقع، به جا و مناسب باشد ضمن آن که با میزان فعالیت و انتظار متناسب باشد باید انگیزه و هدف تشویق به مخاطب تفهیم شود و توجه داشته باشیم تشویق، تحریک درونی برای پیشرفت امور را ایجاد می کند و تشویق به نحوی جبران کننده کمبودها، حقارت های عاطفی و اجتماعی است، ضمن آن که باعث به وجود آمدن حس اعتماد به نفس و تقویت عزت نفس می شود نیز مضاف به آن که رفتار و سیر زندگی - ولو مقطعی - را می تواند تغییر دهد. پاداش ها و تنبیه های محیطی، رفتار آدمی را شکل می دهد. کودک در خانه و مدرسه و محیط جامعه با پاداش ها و تنبیهاتی که دریافت می کند، یاد می گیرد تحت شرایط به خصوص چه شیوه های رفتاری را پیش گیرد. روانشناسی نوین عقیده دارد که تنبیه نه تنها مشکلی را حل نمی کند بلکه ناسازگاری هایی را در رفتار کودک به وجود می آورد. تنبیهاتی که معلمان بر کودکان روا می دارند از یک طرف مشکلات عاطفی و اختلالات رفتاری را موجب می گردد و از طرف دیگر در رابطه معلم و شاگرد آشفستگی ایجاد کرده، امکان بازسازی و ترمیم آن را مشکل و در مواقعی دور از دسترس می سازد. در چنین شرایطی کودک تصور منفی خود از معلم تنبیه گر را ممکن است به معلمان دیگر، محیط آموزشی و حتی فضای فیزیکی مدرسه تعمیم دهد. معلمان پر خاشگر و هیجانی که از عهده کنترل رفتار خودشان بر نمی آیند، با تنبیه های شدید و مکرر، آثار سوء در سازگاری شاگردان خود خواهند گذاشت و مقاومت آنها را در یادگیری دروس بر خواهند انگیخت.

## منابع:

- 1- روانشناسی کودک - دکتر مهدی جلالی - انتشارات دانشگاه تهران - 1360
- 2- روانشناسی تربیتی - دکتر علی شریعتمداری - انتشارات امیرکبیر - چاپ چهارم - 1369
- 3- چرا تنبیه؟ - دکتر عبدالله مجوزی - انتشارات انجمن اولیاء و مربیان - چاپ اول - 1372
- 4- رفتار والدین با فرزندان - محمدعلی سادات - انتشارات انجمن اولیاء و مربیان - چاپ پنجم - 1376
- 5- روانشناسی تربیتی - دکتر علی اکبر سیف - انتشارات پیام نور - چاپ پنجم - 1379
- 6- کاربرد روانشناسی در آموزشگاه - دکتر بدری مقدم - انتشارات سروش - چاپ سوم - 1364
- 7- به بچه ها گفتن از بچه ها شنیدن - آدل فابر، الین مازلیش - مترجم: فاطمه عباسی فر - نشر دایره - چاپ دوازدهم - 1380
- 8- تربیت کودک در جهان امروز - دکتر احمد بهشتی - ناشر: بوستان کتاب قم - چاپ چهارم - 1386
- 9- حدود آزادی در تربیت - دکتر علی قائمی امیری - چاپ دوم - انتشارات انجمن اولیاء و مربیان - 1386
- 10- فرهنگ معین
- 11- لغت نامه دهخدا